**[نوروز در افغانستان](https://www.iras.ir/%d9%86%d9%88%d8%b1%d9%88%d8%b2-%d8%af%d8%b1-%d8%a7%d9%81%d8%ba%d8%a7%d9%86%d8%b3%d8%aa%d8%a7%d9%86/)**

در افغانستان نوروز با رسم و آیین ویژه خود جشن گرفته می‌شود که سفره هفت‌سین، هفت میوه و سمنو و غذای مخصوص نوروز از جمله آنها به شمار می‌روند.  
افغانستان هم مانند ایران تقویم سالنمای آن شمسی است و اولین روز سال نوروز نام دارد.  
نوروز در افغانستان قدمت چند هزار ساله داشته و رسوم و آیین‌های ویژه نوروزی سال‌ها است که نسل به نسل به افغان‌ها منتقل می‌شود.

مردم افغانستان نوروز را آغاز فصل طراوت و زندگی مجدد طبیعت می‌دانند و برای رهایی از زمستان سرد و خشک و تجلیل از نوروز از هفته‌ها قبل آماده این جشن می‌شوند.  
در زیر به برخی از آیین و رسوم ویژه نوروز در افغانستان اشاره می‌شود.

**جشن گل سرخ یا جهنده بالا**

مردم افغانستان معتقدند که رسیدن پرنده‌های مهاجر به افغانستان در این موقع از سال خبر از آغاز فصل بهار می‌دهد. جشن گل سرخ هم که در افغانستان با عنوان میله گل سرخ از آن یاد می‌شود، در ۴۰ روز اول سال و به مناسبت رویش لاله‌های سرخ در مزار شریف و در زیارتگاهی منسوب به امام علی برگزار می‌شود. اهمیت این جشن به حدی است که حتی از کشور‌های ایران و تاجیکستان و دیگر کشور‌های آسیای میانه هم، راهی این شهر می‌شوند.

جشن گل سرخ با یک مراسم مذهبی که افغان‌ها از آن به جهنده علی، ژنده علی و یا ژنده سخی یاد می‌کنند، تقارن دارد. مراسمی که بر اساس باور افغان‌ها به خلافت امام علی تعلق دارد.

در این مراسم که بیش از ۲۰۰ هزار افغان از سراسر افغانستان در آن حضور می‌یابند و در مسجد کبود مزار شریف برگزار می‌شود، علمی منسوب به حضرت علی (ع) که بر آن اسماء متبرک نوشته شده است به اهتزار در می‌آید و سپس این علم برای روز‌های متوالی در آن مکان افراشته می‌ماند.

این علم که در واقع تداعی کننده درفش کاویانی اساطیر فارسی است، با پارچه‌های زربافت و دست دوزی شده مزین شده است.

علاوه بر این در طول مراسم ۲۱ گلوله توپ نیز شلیک می‌شود و بسیاری از مقامات بالای حکومتی و فرمانداران ولایت‌ها نیز برای تماشا به مزارشربف می‌آیند.

**جشن دهقان**

نوروز در بسیاری از سرزمین‌های پارسی، همواره با زایش زمین همراه بوده است. از این رو در افغانستان جشنی به نام جش دهقان در اولین روز سال برگزار می‌شود. از جمله آیین‌های این جشن این است که کشاورزان به شهر‌ها آمده و تولیدات خود را در استادیوم چمن حضوری در کابل به نمایش می‌گذارند. اگر چه این جشن امروزه تنها به کابل و شهر‌های مهم محدود شده، زمانی در تمام شهر‌های افغانستان برگزار می‌شده است.

موضوع جالب این است که این جشن آن‌قدر در میان افغان‌ها محبوبیت دارد که شهردار و شخصیت‌های بالای حکومتی هم در آن حاضر می‌شوند. ضمن اینکه در روز جشن دهقان شهرنشینان هم با لباس‌های شاد و رنگارنگ به مزارع کشاورزان رفته و کشاورزان درمقابل چشم مردم، زمین را با گاو آهن شخم می‌زنند و با رنگ کردن شاخ‌های گاو فصل بهار را شروع می‌کنند.

البته چوپانان نیز سهمی از جشن روز دهقان دارند و در این روز گوسفندان خود را در مزارع رها می‌کنند.

**سمنو (سمنک)**  
تهیه سمنو (سمنک) از جمله رسم‌های قدیمی نوروز در افغانستان است که در بین زنان طرفدارانی زیادی دارد.  
سمنو نوعی غذای مخصوص است که از آرد گندم، جوانه گندم، روغن و آب تهیه می‌شود.  
زنان افغان از آغاز شب نوروز تا سپیده دم اولین روز بهار به صورت دسته جمعی و خواندن اشعار قدیمی شروع به پختن سمنو که از رسوم قدیمی نوروز در افغانستان است، می‌کنند.

حاضران در پای دیگ سمنو شادمان از رسیدن روزهای سبزی و نشاط هستند با خواندن ترانه‌های قدیمی که مخصوص پخت سمنو است کار خود را ادامه می‌دهند.  
رسم شب‌نشینی سمنو در شب نوروز در میان خانم‌های شهر کابل و دیگر نقاط افغانستان رایج است و بسیاری از خانواده‌های افغان به ویژه بانوان افغان در شب نوروز در میهمانی پخت سمنو شرکت می‌کنند.

شب نوروز، دختران جوان و زنان افغان تا نیمه‌های شب در کنار آتشی که روی آن دیگ بزرگ سمنو قرار دارد، می‌نشینند و با قصه‌گویی و شادمانی تا آماده شدن کامل خوراک سمنو بیدار می‌مانند.

**هفت میوه و هفت سین**  
آماده کردن سفره‌ هفت سین و هفت میوه از دیگر رسم‌های ویژه نوروز در افغانستان است.  
هفت میوه ترکیبی از هفت نوع میوه خشک است. ای خشکبارها به طور معمول «مغز بادام»، «مغز گردو»، «پسته»، «کشمش»، «زردآلو»، «سنجد» و «قیسی» هستند.

مردم افغانستان چند روز قبل از عید نوروز این خشکبارها را به صورت مخلوط در آب قرار می‌دهند تا برای روز نوروز آماده شوند.  
در همین حال در برخی از مناطق افغانستان مردم برای استقبال از نوروز سفره هفت سین نیز پهن می‌کنند.

«سیب»، «سنجد»، «سبزی»، «سمارق» (قارچ)، «سرکه»، «سمنو» و «سیر» اجزای سفره هفت‌ سین را تشکیل می‌دهند.  
مردم افغانستان در روزهای نوروز از میهمانان خود با هفت میوه و هفت سین که بسیار خوشمزه و شیرین است، پذیرائی و استقبال می‌کنند.  
در کنار آن شیرینی و شکلات نیز جایگاه خود را دارد.

**غذاهای شب نوروز**  
خانواده‌های افغان در شب نوروز، شام مفصل و استثنایی نسبت به دیگر شب‌های سال صرف می‌کنند.

رنگ سفید نزد مردم افغانستان نشانه خوشبختی و سعادت است به همین دلیل بسیاری از مردم افغانستان یک خروس سفید رنگ را در شب نوروز با نیت این که سال جدید، سالی پر از خوشبختی و نیک‌بختی باشد، ذبح می‌کنند و آن را به همراه سبزی و پلو برای سفره شب نوروز طبخ می‌کنند.

رنگ سبز نزد مردم افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن به نیکی و خوبی تعبیر می‌شود به همین دلیل افغان‌ها برای داشتن سالی پر بار بر سفره‌های خود در شب نوروز سبزی و سبزی پلو قرار می‌دهند.

ماهی کباب شده نیز از دیگر غذاهایی است که در شب نوروز طرفداران زیادی در بین خانواده‌های افغان دارد و در آستانه شب‌های عید ماهی در بازارهای افغانستان به شدت گران می‌شود.  
در ایام نوروز وضعیت درآمدی مشاغلی چون ماهی پزی و شیرینی فروشی‌ها رونق ویژه‌ای می‌گیرد و معمولا مردم در این فروشگاه‌ها برای خرید در صف‌های طولانی می‌ایستند.

**نوروزی**  
جوانانی که هنوز در دوران نامزدی به سر می‌برند و منتظر ازدواج هستند، یک روز قبل از نوروز به همراه هدیه نوروزی برای تبریک سال نو به خانه همسر خود می‌روند.  
خانواده‌ پسر (داماد) با هدایایی چون لباس، جواهرات و حنا به همراه غذاهایی مانند ماهی، زولبیا، شیرینی و کلوچه‌های متنوع برای تبریک عید و دادن عیدانه به خانه عروس می‌روند.  
خانواده عروس هم در مقابل، لباس مردانه و شرینی برای داماد آینده آماده می‌کنند.

**کمپیرک**

کمپیرک داستان طولانی و جالبی در افغانستان دارد. کمپیرک در واقع همان حاجی نوروز ایرانی هاست؛ پیرمردی با ریش‌های بلند، لباس‌های رنگی، کلاهی دراز و یک تسبیح که نماد برتری و قدرت طبیعت بر زمستان است. او و همراهانش روستا به روستا می‌چرخند، با زبان فصیح کتابی مانند تاریخ بیهقی حرف می‌زنند، شعر می‌خوانند و کمک‌هایی را که جمع کرده اند بین افراد توزیع می‌کنند؛ چیزی شبیه بابانوئل. البته به نظر می‌رسد این جشن بیشتر در بامیان و دایکندی برگزار می‌شود.

داستان کمپیرک در سراسر دنیا سر درازی دارد و بر اساس برخی افسانه‌های قدیمی این شخصیت یک پیرزن است. حتی برخی، از وجود شواهدی از این پیرزن در کتاب ابوریحان بیرونی پرده برداشته اند. اما نکته جالب‌تر این است که این پیرزن اسطوره‌ای حتی در بخش‌هایی از ایران، آسیای مرکزی و حتی در قسمت‌هایی از جنوب اروپا و بالکان مانند پرتغال و بلغارستان و نیز ترکیه و شمال آفریقا رواج دارد.

**لباس نو**  
در آستانه نوروز، بازار فروش لباس در شهر کابل بسیار رونق دارد و مردان و زنان به ویژه کودکان برای استقبال از بهار لباس‌های نو خریداری می‌کنند.  
مردم افغانستان معتقدند در حالی که طبیعت با آغاز بهار نو می‌شود و این زیبایی بر جان و روح انسان نیز اثر می‌گذارد باید چهره و پوشش انسان هم پاکیزه و تمیز شود به همین دلیل مردم این کشور اقدام به خرید لباس نو می‌کنند.

**خانه تکانی**  
خانه تکانی در آستانه نوروز از سنت‌های پسندیده افغان‌ها است.  
زنان افغان در آستانه‌ نوروز با شستن فرش‌ها و گردگیری خانه‌ خود تلاش می‌کنند تا پاکیزگی و نشاط را در آستانه بهار در خانه به وجود آورند.  
تزئین و رنگ خانه برای استقبال از بهار از دیگر رسوم افغان‌ها در روزهای آخر زمستان است و مردها در افغانستان تلاش می‌کنند تا در آستانه نوروز وسایل خانه خود را نو کنند.

**دید و بازدید**  
گرچه تعطیلی عید نوروز در افغانستان فقط یک روز است اما در همین فرصت اندک نیز دید و بازدیدها در حد مقدور انجام می‌شود و این سنت حسنه افغان‌ها جشن نوروز را با سفارشات دین مبین اسلام بیشتر پیوند می‌دهد.

**بادبادک بازی (گدی‌پران)**

بادبادک بازی از جمله باز‌های مورد علاقه مردم افغانستان به ویژه جوانان شهر کابل است و روز‌هایی که باد به آرامی می‌وزد، آسمان کابل پر از بادبادک‌های رنگارنگ می‌شود.

جوانان شهر کابل در روز‌های نوروز با حضور بر فراز تپه‌ها برای بلند کردن بادبادک‌های خود تلاش می‌کنند. این بازی به عنوان یکی از سرگرمی‌های اصلی مردم افغانستان در جشن نوروز به شمار می‌رود.

بادبادک بازی بیشتر در فصل بهار و روز‌هایی که باد بیشتر می‌وزد، رونق می‌گیرد و در روز‌های غیر از جشن نوروز هم جوانان بادبادک‌های دست ساز خود را از بالای خانه‌هایشان بلند می‌کنند.

بادبادک‌ها در اندازه‌های مختلف و قیمت‌های گوناگون در مغازه‌های کابل به فروش می‌رسد، اما در گوشه‌ای از این شهر بازار مخصوص ساخت و فروش بادبادک وجود دارد.

**دیگر سنت‌ها**  
توسل جستن با مراکز مقدسی که منسوب به امیرالمومنین حضرت علی (ع) هستند از جمله در ۲ شهر کابل و مزار شریف بسیار دیدنی است. ده‌ها هزار افغان در اطراف این مکان مقدس جمع شده و با نیایش از خداوند طلب سال نیک می‌کنند.

بزکشی یک رقابت ورزشی محلی در برخی کشور‌های آسیای میانه مانند تاجیکستان و افغانستان است. به این صورت است که افرادی سوار بر اسب با یک بز سربریده تمام میدان را برای کسب امتیاز با هم مسابقه می‌دهند. در این رقابت سوارکاران تلاش می‌کنند تا بز بی سر را به میدان بزرگی که با خط سفید و پرچم مشخص شده و به آن دایره حلال گفته می‌شود، برسانند. بزکشی آنقدر برای افغان‌ها اهمیت دارد که چند سال پیش در فهرست بازی‌های ملی این کشور ثبت و دارای فدراسیون ورزشی شده است. با وجود آن که بز کشی از بازی‌های محلی ولایت‌های شمالی افغانستان به شمار می‌رود، اما به دلیل جذابیت آن، این بازی در تمام نقاط افغانستان علاقمندان فراوانی دارد و در زما‌ن‌های مختلف به ویژه ایام نوروز مسابقات بز کشی در تمام ولایت‌های افغانستان برگزار می‌شود.

# [نوروز در جمهوری آذربایجان](https://www.iras.ir/%d9%86%d9%88%d8%b1%d9%88%d8%b2-%d8%af%d8%b1-%d8%ac%d9%85%d9%87%d9%88%d8%b1%db%8c-%d8%a2%d8%b0%d8%b1%d8%a8%d8%a7%db%8c%d8%ac%d8%a7%d9%86/)

جمهوری آذربایجان تنها کشور غیرفارسی زبان می باشد که دولت آن عید نوروز را عید ملی شناخته است. سنت ها و آیین های مربوط به مراسم نوروز در این کشور نسبت به کشورهای دیگر همسایه شباهت بیشتری به آداب و رسوم نوروز در ایران را دارد.

تاریخچه نوروز در آذربایجان

نوروز به عنوان جشنی ملی و دینی در کشور آذربایجان مانند ایران و برخی از کشورهای منطقه، همچون سنتی دیرینه در آغاز بهار جشن گرفته می شد. با وقوع انقلاب سوسیالیستی در اکتبر۱۹۱۷، به مرور برخی از جمهوری های منطقه قفقاز و آسیای میانه تحت سلطه شوروی در آمدند. طی فراز و نشیب هایی که از سال ۱۹۱۱ در آن منطقه اتفاق افتاد و منطقه آذربایجان ضمیمه خاک شوروی شد.

در مارس ۱۹۱۸ حزب مساوات در باکو دست به قیام مسلحانه زدند و دو ماه بعد در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۱۸ شهر تفلیس و بعد شهر گنجه را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند و نام حکومت خود را جمهوری آذربایجان نام نهادند. با به وجود آمدن بحران های سیاسی و اقتصادی، این حکومت در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ با اشغال شوروی سقوط کرد و کمیته انقلاب به رهبری نریمان نریمانف، که تحت حمایت حزب کمونیست شوروی بود، اعلام حاکمیت کرد و نام آن حکومت خود را «جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان» نهاد.

در طول دوران حکومت کمونیستی، نوروز به عنوان جشن ملی و مذهبی، فراز و نشیب بسیاری را به خود دید. در ابتدای دوران کمونیسم در شوروی، برگزاری جشن نوروز در آذربایجان از طرف بلشویک ها مجاز شمرده شد. اما به تدریج به خاطر ماهیت ضددینی حکومت شوروی، از سال ۱۹۲۸ مراسم نوروز به دلیل این که مراسمی مذهبی به شمار می آمد توسط حکومت دچار محدودیت هایی گردید و در ۵ دسامبر ۱۹۳۶ به طور کامل ممنوع شد.

پس از مرگ استالین به تدریج محدودیت ها از جشن نوروز برداشته شد. از سال ۱۹۶۷ به بعد جشن نوروز با عنوان جشن بهار اجازه اجرا یافت اما این مجوز سه سال بیشتر نپایید و از سال ۱۹۷۰ دوباره برگزاری نوروز یا همان جشن بهار، ممنوع شد. از سال ۱۹۸۵ و با قدرت رسیدن میخائیل گورباچف، و با اتخاذ سیاست های گلاسنوست (فضای باز سیاسی) و پرسترویکا (اصلاحات اقتصادی) مردم توانستند جشن های ۲۱ مارس را این بار نه با اسم جشن بهار بلکه با نام سنتی آن یعنی نوروز جشن بگیرند.

پس از استقلال جمهوری آذربایجان برای بار دوم در سال۱۹۹۱، جشن نوروز به عنوان جشنی ملی به رسمیت شناخته شد که همه ساله از ۲۰ مارس شروع شده و تا پنج روز که تعطیل رسمی است ادامه می یابد.

از آیین های دیگر نوروزی در جمهوری آذربایجان خانه تکانی است که در روزهای قبل از عید، همچون ایران با کمک همه اعضای خانواده انجام می شود. هر خانه باید در روزهای نوروز برای مهمان های سرزده آماده باشد. در گذشته مردم از سبزه سبز کرده خود سمنو درست می کردند. سمنو را نیز«اصفهان حلواسی» یا حلوای اصفهان می نامند.

در هفته پیش از نوروز جنب و جوش زیادی در شهر باکو به چشم می خورد. نرده ها و تیرهای چراغ برق را رنگ می کنند. میدان های شهر گلگاری می شود. جاهای مختلف شهر چراغانی می کنند و ماکت سبزه و سمنو درست می کنند. و اکثر مغازه ها و مراکز خرید و هتل ها و مکان های توریستی خنچه درست می کنند و در ورودی شهر و مکانها می چینند. و خلاصه این که همه جا بوی تازه گی و نو بودن می دهند.

در جمهوری آذربایجان، مردم چهار چهارشنبه نزدیک به نوروز را جشن می گیرند. چهار شنبه اول را «سو چرشنبه سی» یا چهارشنه آب، دومی را «اود چرشنبه سی» یا چهارشنه آتش، سومی را «توپراق چرشنبه سی» یا چهار شنبه خاک، و چهار شنبه آخر را «یئل چرشنبه سی» یا چهارشنبه باد می گویند. این نامگذاری ها بنا به باور قدیم مردم شکل گرفته که معتقد بودند جهان از چهار عنصر آب، خاک، باد، و آتش تشکیل شده است. در «چرشنه بایرامی»، که بر خلاف ایران، سه شنبه شب ها برگزار می شود جوانان آتش روشن می کنند و دختر و پسر از روی آتش می پرند.

رسوم دیگری هم در گذشته میان مردم شایع بوده است که الان بیشتر به صورت نمایشی وجود دارد. یکی از این رسوم اصطلاحا «کاسا و کچل» نام دارد. کاسا (کوزه) نماد بهار است که لباس سبز می پوشد و کلاه سبز بر سر می گذارد و کچل نماد زمستان است که لباس آبی پوشیده و سر طاس اش نمادی از بی باری زمستان است. این دو برای هم رجز می خوانند و همراه با رجز خوانی این دو برای هم موسیقی نواخته می شود و تماشاگران دست می زنند و می رقصند. کاسا، در رجز خوانی پیروز می شود و بعد هر کدام از تماشاچیان هدیه ای به او می دهند و در آخر هم برای مردم در نوروز دعا خوانده می شود و مراسم به اتمام می رسد.

از دیگر رسوم مردم آذربایجان در نوروز، مراسمی است که اصطلاحا به آن «پاپاق آتماق» می گویند. پاپاق در ترکی به معنای کلاه است و این اصطلاح به معنای کلاه گردانی است. در این مراسم بچه ها کلاه به دست می گیرند و به در خانه همسایه ها می روند و همسایه ها در کلاه آن ها شیرینی هایی مثل شکربوره و شکلات و سیب می گذارند. فالگوش ایستادن که به آن «گولاخ فالی» می گویند هم در بین دختران در آذربایجان جاری است. دخترکان مخفیانه به سخنان همسایه گوش می دهند و بعد به مادرشان می گویند که شنیدم همسایه به فرزندش می گفت برو و چراغ ها را روشن کن. بعد دخترک از مادرش تعبیرش را می پرسد و مادر به او می گوید که سال آینده با روشنایی شروع خواهد شد.

در روز اول عید نیز رئیس جمهور در بولوار شهر یا ایچری شهر آغاز نوروز را به صورت رسمی اعلام می کند. و از این روز، جشن ها، فستیوال های موسیقی سنتی در قسمت های توریستی شهر و در دو نوبت صبح تا ظهر و ظهر تا عصر برگزار می شود.

و از کوچک تا بزرگ، لباس نو می پوشاند و در این مراسم ها شرکت می کنند. و در این محل مراسم، غذاهای محلی و انواع کباب ها طبخ می شود. و در غرفه هایی انواع صنایع دستی شهرهای باکو و شیرنیجات و مرباجات آن در معرض بازدید می گذارند.

بعدازظهر روز آخر اسفند یا بیستم مارس، روز پیش از نوروز، گورستان های باکو مملو از کسانی است که به تعداد رفتگانشان، سینی های سمنو در دست دارند. بر روی بعضی گورها دو یا سه سینی سبزه گذاشته شده که نشانه این است که خانواده های چندی از خویشان آنجا حضور یافته اند. منظره گورستان در این روز حیرت انگیز است، گویی آذری ها مردگان خویش را نیز در جشن نوروز شرکت می دهند.

در شب پیش از نوروز همه افراد خانواده، در خانه یکی از بزرگترها جمع می شوند و شام را با هم می خورند. مهمترین و اصلی ترین خوراک نوروزی در آذربایجان ماهی است که باید حتماً سر سفره باشد. روی سر ماهی حلقه ای قرار می دهند که آن را باید بزرگترین دختر دم بخت خانواده در انگشت خود کند. براساس باورهای مردم، این کار دختر را خوشبخت می کند.

سفره نوروزی آذربایجانی ها با سفره نوروزی ایرانی ها تفاوت دارد و در زمان حاضر در آن هفت سین، هفت شین یا هفت میم وجود ندارد اما هر کدام از اجزا آن معنی خاصی دارد.

شیرینی هایی مثل شکربوره، پاخلاوا (باقلوا)، و شور گوگال هم توسط مردم آذربایجان پخته و مصرف می شود. شکر بوره که معروف ترین شیرینی آذربایجان است از بادام، شکر، دانه هل، گندم، تخم مرغ، خامه ترش، کره، شیر، و خمیر تشکیل شده که درون فر گذاشته و پخته می شود.

پاخلاوا دیگر شیرینی معروف مردم آذربایجان است که از گردو، کره، تخم مرغ، گندم، شکر، گلاب، زعفران، و بادام تشکیل شده است.

شکر بورا و باقلوا در محیط های عمومی شهر باکو، به همراه چای هم سرو می شود.

# [نوروز در پاکستان](https://www.iras.ir/%d9%86%d9%88%d8%b1%d9%88%d8%b2-%d8%af%d8%b1-%d9%be%d8%a7%da%a9%d8%b3%d8%aa%d8%a7%d9%86/)

به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری صدا و سیما از اسلام آباد، جشن‌ نوروز در برخی مناطق، به‌ویژه میان پشتون‌ها، بلوچ‌ها، جوامع فارسی‌زبان (هزاره) و مردم گیلگت-بلتستان، گرامی داشته می‌شود. هر چند نوروز یک جشن ملی در پاکستان نیست، اما تأثیر تمدن ایرانی و اشتراکات تاریخی با افغانستان و آسیای مرکزی آن را در بخش‌هایی از کشور زنده نگه داشته است.

مردم پاکستان فصل بهار را همزمان با دیگر ملت‌ها به ویژه ایرانی‌ها و با شور و شوق خاصی در شهر‌های مختلف این کشور با نام جشن «نوروز عالم افروز» روزی که جهان با آمدنش جهان روشن می‌شود، آغاز و آیین‌های خاص آن را برگزار می‌کنند.

**گلگت-بلتستان: «ایران کوچک» و میراث نوروزی**

منطقه گلگت-بلتستان در شمالی‌ترین مناطق پاکستان که به دلیل قرابت‌های فرهنگی و تاریخی با ایران به «ایران کوچک» معروف است، یکی از مهم‌ترین مراکز برگزاری جشن نوروز در پاکستان به شمار می‌رود.

از آداب ویژه این روز در مناطق شمال پاکستان می‌توان به اهدای تخم مرغ رنگی به کودکان کوچک به عنوان عیدی، رفتن به خانه اقوام برای عیدی گرفتن و بازی چوگان اشاره کرد.

در گلگیت و بلتستان از زمان‌های قدیم به مناسبت عید نوروز تخم مرغ رنگ کرده به عنوان عیدی به کودکان کوچک داده می‌شد. این روز مسابقات تخم مرغ شکنی بین کودکان، رسم بازی چوگان، و در برخی از مناطق مسابقات تیراندازی و نیزه بازی نیز رایج بود.

بررسی تاریخچه گلگت -بلتستان و چترال نشان می‌دهد که در دوره قدیم نوروز در سطح دولتی در این مناطق برگزار می‌شد. در این روز حاکمان محلی برای تماشای مراسم عید در بین مردم حضور پیدا می‌کردند و به شرکت کنندگان مسابقات جوایز برجسته نیز اهدا می‌نمودند. در برخی از مناطق شمالی پاکستان هم مرز چین و افغانستان، در این روز محافل رقص و موسیقی برپا می‌شد.

**بلوچستان در نوروز؛ از رقابت‌های اسب‌دوانی تا محافل موسیقی سنتی**

نوروز درایالت بلوچستان پاکستان به‌ویژه در کویته، با برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی، مسابقات ورزشی و محافل موسیقی سنتی گرامی داشته می‌شود. در این جشن مردم لباس‌های نو بر تن کرده و با دیدار از اقوام و دوستان، سال جدید را با صمیمیت آغاز می‌کنند.

نمایشگاه‌هایی با محوریت فرهنگ، آموزش و هنر، صنایع‌دستی و لباس‌های سنتی بلوچ را به نمایش می‌گذارند. مسابقات کشتی محلی، اسب‌دوانی و تیراندازی از برنامه‌های مهم این جشن هستند، در حالی که اجرای موسیقی سنتی با ساز‌های محلی مانند دمبورک و سرود، همراه با رقص‌های محلی، حال و هوای نوروز را زنده نگه می‌دارد.

عبدالخالق هزارہ، وزیر ورزش و فرهنگ بلوچستان در مصاحبه با خبرگزاری جنگ نیوز در مورد این آیین باستانی در بلوچستان می‌گوید نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های جهان است که در کشور‌های مختلف از جمله ایران، ترکیه، افغانستان، تاجیکستان و پاکستان برگزار می‌شود.

وی تاکید کرد که نوروز نه‌تنها جشن آغاز بهار، بلکه فرصتی برای همبستگی و تقویت روابط اجتماعی است. او همچنین یادآور شد که سازمان ملل این آیین را به عنوان یک جشن فرهنگی جهانی به رسمیت شناخته و هر ساله به ملت‌های برگزارکننده آن تبریک می‌گوید.

**نوروز در خیبرپختونخوا؛ آیینی که در اشعار و سنت‌ها زنده مانده است**

نوروز در ایالت خیبرپختونخوا پاکستان با وجود ریشه‌های عمیق در فرهنگ پشتون‌ها، طی دهه‌های اخیر تحت تأثیر جریان‌های افراطی محدود شده است. با این حال این جشن همچنان در مناطقی مانند چترال، هنگو، کوهات، صده، علی‌زئی و پاراچنار با شور و حال خاصی برگزار می‌شود

در چترال که زمستان‌های طولانی و سختی را پشت سر می‌گذارد، نوروز نماد آمدن بهار و بیداری طبیعت است. مردم این منطقه با پاک‌سازی و تزیین خانه‌ها، دید و بازدید از اقوام و اهدای عیدی به کودکان، سال نو را جشن می‌گیرند.

در مناطق پشتون‌نشین، نوروز علاوه بر یک آیین کهن، جایگاهی ویژه در ادبیات کلاسیک دارد. خوشحال خان ختک شاعر برجسته پشتون در اشعار خود به نوروز به عنوان فصل شادی، نشاط و احیای طبیعت اشاره کرده است.

در هنگو، کوهات، صده، علی‌زئی و پاراچنار که جمعیتی از شیعیان و اهل سنت در آن ساکن هستند، نوروز با آیین‌هایی مانند گردهمایی‌های خانوادگی، پخت غذا‌های سنتی و برگزاری مسابقات محلی همراه است.

**نوروز و بسنت در پنجاب؛ جشن بهار در قلب فرهنگی پاکستان**

هر ساله با فرا رسیدن فصل بهار، مردم کشور‌های آسیای جنوبی و شبه‌قاره از جمله هند و پاکستان مراسمی با عنوان “بسنت” برگزار می‌کنند و این روز را با هوا کردن بادبادک‌های رنگارنگ جشن می‌گیرند.

بسنت به زبان “سانسکریت” به معنای بهار است و مردم این روز را با پوشیدن لباس نو، بادبادک بازی و نواختن موسیقی جشن می‌گیرند.

بادبادک بازی جشن بسنت در شهر لاهور شهرت فراوانی دارد. لاهور در حال حاضر با جمعیتی نزدیک به ۱۳ میلیون نفر به عنوان بزرگ‌ترین برگزارکننده جشن “بسنت” در جهان معروف شده است. برنامه “بسنت” از غروب آغاز می‌شود و همه مردم از کوچک و بزرگ، پیر و جوان و زن و مرد بر روی پشت بام‌ها رفته و بادبادک هوا می‌کنند.

برخی افراد این شهر مهارت خاصی در ساخت بادبادک و نخ مخصوص آن دارند و در ایام جشن بسنت بادبادک‌های خود را به قیمت خوبی می‌فروشند.

# [نوروز در قزاقستان](https://www.iras.ir/%d9%86%d9%88%d8%b1%d9%88%d8%b2-%d8%af%d8%b1-%d9%82%d8%b2%d8%a7%d9%82%d8%b3%d8%aa%d8%a7%d9%86/)

نوروز یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین جشن‌های قزاقستان است که نماد تجدید طبیعت، فرارسیدن بهار و آغاز سال نو در تقویم شرقی به شمار می‌آید. در این روز مردم خانه‌های خود را پاکسازی می‌کنند، کینه‌ها و کدورتها را می‌بخشند، مهمانان را پذیرایی می‌کنند و آیین‌های گوناگونی را برای جلب خوشبختی و برکت انجام می‌دهند. با این حال، علی‌رغم مفهوم مشترک این جشن، شیوه‌های برگزاری آن بسته به مناطق مختلف متفاوت است. هر استان قزاقستان آداب و رسوم خاص خود را دارد که نوروز را به جشنی منحصربه‌فرد و رنگارنگ تبدیل می‌کند.

**ریشه‌ها و اهمیت جشن**

نوروز در روز اعتدال بهاری، یعنی ۲۲ مارس، جشن گرفته می‌شود؛ زمانی که طول روز و شب برابر می‌شود. باور بر این است که از این لحظه طبیعت بیدار شده و چرخه‌ی جدیدی از زندگی آغاز می‌گردد. واژه‌ی «نوروز» ریشه‌ی فارسی دارد و به معنای «روز نو» است.

این جشن با مفاهیمی همچون نوسازی، برکت و مهمان‌نوازی پیوند دارد. مهم‌ترین سنت‌های آن شامل پذیرایی با غذاهای ملی، برگزاری جشن‌های مردمی، مسابقات ورزشی و آیین‌هایی است که برای جلب خوشبختی و رفاه در خانه و میان اقوام انجام می‌شوند.

**جشن نوروز در استان آلماتی**

در آلماتی،   جشن نوروز با شکوه و به صورت رنگارنگ برگزار می‌شود. در مرکز شهر، در میدان آستانه و پارک نخستین رئیس‌جمهور، یورت‌ها برپا شده و مراسم سنتی، کنسرت‌ها و نمایش‌های آئینی اجرا می‌گردد. یکی از اصلی‌ترین سنت‌ها پذیرایی از مهمانان با نوروز-کوجه است؛ غذایی مقوی و نمادین که از هفت ماده‌ی اصلی شامل گوشت، آب، نمک، شیر، غلات، روغن و آرد تهیه می‌شود. این مواد نماد فراوانی و برکت در سال جدید هستند.

همچنین در آلماتی، جشنواره‌های صنایع دستی برگزار می‌شود که در آن کارگاه‌های آموزشی برای ساخت زیورآلات ملی، گلدوزی و هنرهای زرگری ارائه می‌شود. در پارک‌ها مسابقات کشتی قزاقی  و سایر ورزش‌های ملی نیز برگزار می‌گردد.

**جنوب قزاقستان: چیمکنت و ترکستان**

در جنوب کشور، که آب‌وهوا گرم‌تر است، نوروز با شور و هیجان بیشتری برگزار می‌شود. در چیمکنت و ترکستان، جشن‌های مردمی با حضور آکین‌ها (شاعران بداهه‌سرا)، دلاوران اسب‌سوار و هنرمندان مردمی اجرا می‌شود. در این مناطق، آی‌تیس (مسابقات شعر بداهه میان دو آکین) بسیار محبوب است و شاعران در مهارت سخن‌وری و هوش خود با یکدیگر رقابت می‌کنند.

در ترکستان، یکی از مراکز معنوی قزاقستان، مراسم جشن اغلب در کنار آرامگاه خواجه احمد یسوی برگزار می‌شود. در این مکان آیین‌های ویژه‌ی دعا و نیایش برای رفاه و شکوفایی مردم انجام می‌گیرد.

همچنین در مناطق جنوبی، مسابقات ورزشی سنتی نظیر کوکپار (بازی گروهی با اسب که شبیه چوگان است)، اوداریسپاق (کشتی روی اسب)، و آسیک آتو (بازی سنتی با مهره‌های استخوانی که در میان جوانان محبوب است) برگزار می‌شود.

**قزاقستان غربی: آتیرائو و استان مانگیستائو**

در مناطق غربی قزاقستان، جشن نوروز ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. در اینجا، سنت‌های زندگی عشایری قوی است و جشن‌ها اغلب با پذیرایی از مهمانان با غذاهای سنتی مانند بیشبارماک (گوشت با نودل) و شیر شتر (شوبات) همراه است.

یکی از آیین‌های ویژه در مانگیستائو، مراسم «ақ тілек» (آق تیلیک) است – یک دعای جمعی که در آن بزرگان به نسل جوان توصیه‌هایی می‌کنند و آرزوهای صلح، خیر و برکت را بر زبان می‌آورند. این مراسم نشان‌دهنده‌ی تداوم نسل‌ها و اهمیت احترام به بزرگان است.

**قزاقستان شمالی: پتروپاول و کوستانای**

قزاقستان شمالی با ترکیب چندملیتی جمعیت خود متمایز است و نوروز در این منطقه به عنوان جشن دوستی بین اقوام مختلف برگزار می‌شود. در پتروپاول و کوستانای، جشن‌های عمومی با حضور نمایندگان گروه‌های قومی مختلف، از جمله قزاق‌ها، روس‌ها، تاتارها، اوکراینی‌ها و سایر اقوام برگزار می‌شود.

در این منطقه، ترکیب سنت‌های آشپزی نیز قابل مشاهده است – در سفره‌های نوروزی افزون بر غذاهای قزاقی، غذاهای روسی نظیر پای، غذاهای تاتاری مانند اچپچماک و غذاهای اوکراینی مانند وارنیکی نیز دیده می‌شود.

همچنین در مناطق شمالی، آیین‌های آشتی رایج است – اگر در طول سال بین بستگان یا همسایگان اختلافی پیش آمده باشد، در این روز رسم بر آن است که افراد با یکدیگر صلح کنند و سال جدید را با صفحه‌ای پاک آغاز نمایند.

**قزاقستان شرقی: سمی و اوست-کامنوگورسک**

در قزاقستان شرقی، نوروز به ویژه با سنت‌های موسیقایی غنی همراه است. در شهرهای سمی و اوست-کامنوگورسک، مسابقات نوازندگی دامبرا، اجرای گروه‌های فولکلور و بازی‌های ملی برگزار می‌شود.

یکی از آیین‌های مهم این منطقه، مراسم پاکسازی است. پیش از جشن، مردم سعی می‌کنند از اشیای کهنه رهایی یابند، نظافت کلی در خانه و حیاط انجام دهند تا سال جدید را با افکار پاک و انرژی تازه آغاز کنند.

**قزاقستان مرکزی: قراغندا و استان آکمولا**

در مناطق مرکزی قزاقستان، نوروز با برپایی یورت‌ها در شهرها و روستاها همراه است، جایی که جشن‌های مردمی برگزار می‌شود. در قراغندا و استان آکمولا، مراسم استقبال از خورشید محبوب است – مردم در سپیده‌دم به بلندی‌ها می‌روند تا طلوع خورشید را نظاره کرده و دعاهایی برای سعادت بخوانند.

همچنین، مسابقات کشتی قزاقی (قزاقشا کورس) که در آن کشتی‌گیران قدرت و چابکی خود را به نمایش می‌گذارند، و مسابقات اسب‌دوانی که تعداد زیادی تماشاچی را جذب می‌کند، در این منطقه رایج است.

**نکته:**

نوروز در قزاقستان تنها یک جشن نیست، بلکه زمانی است که مردم گرد هم می‌آیند، سنت‌های نیاکان خود را گرامی می‌دارند، مهمان‌نوازی نشان می‌دهند و در جستجوی هماهنگی و هم افزایی با یکدیگر هستند.

با وجود ویژگی‌های منطقه‌ای، مفهوم اصلی این جشن تغییری نمی‌کند: نوروز زمانی برای امید، نیکی و شروعی تازه است.

جشن گرفتن نوروز در مناطق مختلف قزاقستان، غنای فرهنگی ملی و تنوع سنت‌ها را برجسته کرده و مردم را در تلاش برای صلح، رفاه، آرامش و شکوفایی متحد می‌کند.

# [نوروز در قرقیزستان](https://www.iras.ir/%d9%86%d9%88%d8%b1%d9%88%d8%b2-%d8%af%d8%b1-%d9%82%d8%b1%d9%82%db%8c%d8%b2%d8%b3%d8%aa%d8%a7%d9%86/)

در روز اعتدال بهاری مردمان ایرانی و ترکی سال نو را طبق تقویم شمسی جشن می‌گیرند. نوروز در زبان فارسی به معنای «روز نو» است. املا و تلفظ این واژه در کشورهای مختلف متفاوت است: نووروز (در قرقیزستان)، نُوروز (در آذربایجان)، نَوروز (در تاجیکستان)، نُروز (تاتارستان)، نِوروز (ترکیه)، نائوریز (قزاقستان).

در سپتامبر ۲۰۰۹، این جشن در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشریت در یونسکو ثبت شد. در سال ۲۰۱۰ در شصت و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۱ مارس به عنوان روز جهانی نوروز اعلام شد. این جشن در آذربایجان، هند، ایران، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، پاکستان، ترکیه، داغستان، تاتارستان، باشقیرستان، منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ چین و کردستان عراق برگزار می‌شود.

در خاورمیانه، نوروز را فقط نمایندگان آن دسته از مردمانی جشن می‌گیرند که قبل از ورود اعراب، گسترش اسلام و ظهور خلافت عرب در آنجا زندگی می‌کردند. اعراب این عید را جشن نمی‌گیرند. در ترکیه، جشن نوروز به طور رسمی از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۹۱ ممنوع بود. این ممنوعیت هنوز در سوریه به قوت خود باقی است.

نوروز با آیین زرتشتی و آتش پرستی پیوند تنگاتنگی دارد. سنت آتش روشن کردن تا به امروز باقی مانده است، مانند سایر عادات زرتشتیان که برای این جشن سبزه گندم یا جو می‌کاشتند. معروف‌ترین غذای نوروزی سمنو است.

در دوران شوروی، جشن نوروز در قرقیزستان برگزار نمی‌شد. هیچ ممنوعیت رسمی وجود نداشت، اما هیچ جشن باشکوهی نیز برپا نمی‌گردید. این عید با آغاز کار کشاورزی و کاشت غلات محدود می‌شد. در اوایل دهه ۱۹۲۰، در برخی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، نوروز به عنوان یک روز تعطیل در نظر گرفته می‌شد. سپس در راستای مبارزه با به اصطلاح «آثار گذشته»، نوروز همراه با سال نو میلادی، کریسمس و دیگر اعیاد مذهبی و ملی لغو شد. با این حال، جشن‌های عمومی همچنان برگزار می‌شد. در بایگانی عکس‌هایی از جشنواره «بهار آلاتو» مورخ نوروز ۱۳۴۸ هست.

قرقیزستان تنها پس از کسب استقلال، به برگزاری جشن نوروز به طور رسمی آغاز کرد. عسکر آقایِف، رئیس‌جمهور وقت، در ۱۶ بهمن ۱۳۶۹ فرمان برپایی جشن ملی نوروز را امضا کرد. از آن زمان، ۲۱ مارس در قرقیزستان به یک روز تعطیل رسمی تبدیل شده است. با این حال، در بایگانی عکس‌ها و فیلم‌هایی از جشن نوروز در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۶۸، قبل از رسمیت یافتن این عید وجود دارد. روز نوروز، نمایش‌های تئاتری، اجراهای خوانندگان، کنسرت ارکستر دولتی سازهای محلی قرقیزستان و مجالس تشریفاتی در سراسر کشور برگزار می‌شد.

ضمیربیک سورونبایِف، هنرمند خلق قرقیزستان، مدیر اصلی این جشن‌های ملی بود. وی می‌گوید: «عید نوروز ممنوع بود، اما مردم در حلقه عزیزان خود جمع می‌شدند و سمنو می‌پختند. در این روز همیشه سعی می‌کردند جشنی ترتیب دهند. مراسم عروسی همیشه برای ۲۱ مارس برنامه‌ریزی می‌شد و یا مراسم کودکانه در این روز برپا می‌گردید. نمی‌فهمم چرا نوروز ممنوع بود، آخر این جشن عید دینی نیست. اظهارات مبنی بر اینکه مردم قرقیز نباید آن را جشن بگیرند نیز برایم قابل درک نیست. نوروز جشن تجدید، وحدت و آغاز نو است».

طبق سنت ثابت شده، تمام جشن‌های بزرگ در قرقیزستان در میدان مرگزی «آلاتو» شهر بیشکک برگزار می‌شود. نوروز نیز از این قاعده مستثنی نبود. ضمیربیک سورونبایِف مخالف این ایده بود و جشن نوروز را به هیپودروم منتقل کرد. این کارگردان به یاد می‌آورد: «نوروز جشن سنت‌ها و آداب و رسوم است. آن را نمی‌توان در میدان برگزار کرد. بازی‌های سوارکاری، پختن سمنو، بریدن بند (یکی از رسوم قرقیزی) – همه اینها نوروز را واقعاً محبوب می‌کند. همه دیدند که در هیپودروم نوروز بسیار روح‌انگیزتر بود. مردم به یکدیگر تبریک می‌گفتند، همدیگر را در آغوش می‌گرفتند، می‌بوسیدند و شادی می‌کردند. نوروز فقط عید قرقیزها نیست. نمایندگان ملیت‌های دیگر هم می‌آمدند. ملت را نباید بر اساس ملیت تقسیم کرد. دقیقاً این نوع رویدادها است که مردم را دور هم جمع می‌کند. در یکی از این جشن‌های نوروزی با خواننده یولیا روتسکایا آشنا شدم که روس است. من او را در برنامه جشن درج کردم و پشیمان نشدم. او خیلی زیبا می‌خواند. این قدر خوشم آمد که هنوزم صدایش در یادم هست. اکنون او یک خواننده مشهور است و هیچ کس بهتر از او به زبان قرقیزی آهنگ نمی‌خواند. او مایه افتخار کشور است».

خود یولیا روتسکایا به یاد می‌آورد که یکی از اولین آهنگ‌هایی که او به زبان قرقیزی اجرا کرد، آهنگ «ژامغیر» («باران») اثر توگالبای قزاقوف بود. او در ابتدای کارش در تمام رویدادهای دولتی با این آهنگ روی صحنه می‌رفت، اما در جشن نوروز در مسکو او آهنگ معروف «[آپاق سویو](https://www.youtube.com/watch?v=GjrvQbpvjqQ)» («عشق سفید») را اجرا کرد. این آهنگ را خیلی‌ها خوانده‌اند، اما بهترین اجرا توسط یولیا روتسکایا بود، انگار برای او نوشته شده بود.

# [نوروز در روسیه](https://www.iras.ir/%d9%86%d9%88%d8%b1%d9%88%d8%b2%d8%9b-%d8%ac%d8%b4%d9%86-%d8%a8%d8%a7%d8%b3%d8%aa%d8%a7%d9%86%db%8c-%d8%af%d9%87%d9%87%d8%a7-%d9%82%d9%88%d9%85-%d8%af%d8%b1-%d8%b1%d9%88%d8%b3%db%8c%d9%87/)

نوروز، جشن آغاز بهار و یکی از کهن‌ترین جشن‌های جهان، در میان اقوام مختلف روسیه جایگاه ویژه‌ای دارد. این جشن که ریشه در فرهنگ‌های ایرانی، ترکی و آسیای میانه دارد، به‌ویژه در مناطق مسلمان‌نشین و فارسی‌زبان روسیه اهمیت زیادی پیدا کرده است.

اگرچه نوروز در تقویم رسمی روسیه به عنوان یک تعطیلات ملی شناخته نمی‌شود، اما در میان اقوام تاتار، باشقیری، داغستانی، چچنی، آذربایجانی، تاجیک، ازبک و قزاق گرامی داشته می‌شود. این اقوام، که در جمهوری‌های خودمختار و همچنین در شهرهای بزرگ روسیه مانند مسکو و سن‌پترزبورگ زندگی می‌کنند، نوروز را به عنوان بخش مهمی از هویت فرهنگی خود جشن می‌گیرند.

برگزاری نوروز در روسیه از دوران اتحاد جماهیر شوروی تا امروز دستخوش تغییراتی شده است. در دوران شوروی، جشن‌های مذهبی و سنتی تحت کنترل شدید دولت قرار داشتند و نوروز نیز در بسیاری از مناطق ممنوع بود یا به‌طور غیررسمی برگزار می‌شد. اما پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، این جشن دوباره به رسمیت شناخته شد و امروزه در بسیاری از مناطق روسیه به‌طور گسترده گرامی داشته می‌شود.

**جمهوری‌های برگزارکننده نوروز در روسیه**

نوروز در مناطق مختلف روسیه بسته به فرهنگ و سنت‌های اقوام مختلف، با آیین‌های خاصی برگزار می‌شود.

۱. جمهوری تاتارستان و باشقیرستان

تاتارها و باشقیری‌ها از جمله اقوامی هستند که نوروز را به عنوان یک جشن سنتی به رسمیت می‌شناسند. در این مناطق، نوروز با برگزاری مسابقات اسب‌سواری، کشتی محلی، بازی‌های سنتی و اجرای موسیقی فولکلوریک همراه است.

در شهرهایی مانند کازان (پایتخت تاتارستان) و اوفا (پایتخت باشقیرستان)، جشن‌های عمومی در میادین شهر برگزار می‌شود. مردم لباس‌های سنتی می‌پوشند و با پختن غذاهای محلی مانند چاک‌چاک (یک شیرینی سنتی تاتاری)، بلیش (نوعی پای گوشتی) و کستبی (نان پر شده با سیب‌زمینی یا گوشت)، نوروز را جشن می‌گیرند.

۲. قفقاز شمالی (داغستان، چچن، اینگوشستان)

در این مناطق، نوروز یکی از مهم‌ترین جشن‌های بهاری است و به‌ویژه در داغستان، که مردمان آن دارای پیشینه‌ای ترکی-ایرانی هستند، جشن نوروز با شور و هیجان زیادی برگزار می‌شود. مردم در این روز آتش روشن می‌کنند، از روی آن می‌پرند، نمایش‌های سنتی اجرا می‌کنند و مسابقات کشتی برگزار می‌شود.

در چچن و اینگوشستان، اگرچه نوروز کمتر رایج است، اما در بین اقوام ترک‌تبار این منطقه به‌ویژه قوم کومیک جشن گرفته می‌شود.

۳. سیبری و آسیای مرکزی (اقوام تاجیک، ازبک و قزاق)

با توجه به وجود مهاجران زیادی از تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان در سیبری و سایر مناطق روسیه، نوروز در میان این گروه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مهاجران تاجیک و ازبک در شهرهایی مانند مسکو، سن‌پترزبورگ، یکاترینبورگ و نووسیبیرسک، جشن‌های نوروزی برگزار می‌کنند که شامل رقص‌های سنتی، غذاهای محلی مانند پلو، سومسا (نان پرشده با گوشت) و مانتی (نوعی دامپلینگ ازبکی) است.

**آیین‌ها و سنت‌های نوروز در روسیه**

نوروز در روسیه با آیین‌های خاصی همراه است که نشان‌دهنده ترکیب سنت‌های ایرانی، ترکی و محلی است.

۱. جشن‌های خیابانی و فرهنگی

در شهرهایی مانند مسکو، سن‌پترزبورگ، کازان و اوفا، هر ساله جشن‌های نوروزی با حضور اقوام مختلف برگزار می‌شود. این جشن‌ها شامل اجرای موسیقی سنتی، رقص فولکلوریک، برپایی بازارهای صنایع‌دستی و ارائه غذاهای محلی است.

سفارتخانه‌های کشورهای فارسی‌زبان و ترک‌زبان مانند ایران، آذربایجان، تاجیکستان و ازبکستان نیز در این ایام مراسم فرهنگی نوروزی برگزار می‌کنند.

۲. غذاهای سنتی نوروزی

هر قوم در روسیه، نوروز را با غذاهای مخصوص خود جشن می‌گیرد. برخی از غذاهای رایج نوروزی در میان اقوام مختلف روسیه شامل موارد زیر است:

* تاجیک‌ها و ازبک‌ها: پلو، سومسا، مانتی
* تاتارها و باشقیری‌ها: چاک‌چاک، بلینی، کستبی
* آذربایجانی‌ها: سبزی‌پلو با ماهی، باقلوا، شکربورا

۳. آیین‌های کهن نوروزی

در برخی مناطق، مردم مراسم‌های سنتی نوروزی مانند چیدن سفره هفت‌سین یا هفت‌شین، پریدن از روی آتش، اجرای بازی‌های محلی و دید و بازدیدهای خانوادگی را برگزار می‌کنند.

یکی از آیین‌های مهم در میان اقوامی مانند تاجیک‌ها و ازبک‌ها، “بخشش و آشتی” است که در آن مردم اختلافات گذشته را کنار گذاشته و سال جدید را با صلح و دوستی آغاز می‌کنند.

**گسترش نوروز در روسیه در سال‌های اخیر**

در سال‌های اخیر، به دلیل افزایش مهاجرت از کشورهای فارسی‌زبان و ترک‌زبان به روسیه، نوروز بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، دولت روسیه در برخی مناطق به برگزاری این جشن‌ها کمک کرده و آن را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی اقوام مختلف به رسمیت شناخته است.

در شهرهای بزرگی مانند مسکو و سن‌پترزبورگ، نوروز به یک رویداد چندفرهنگی تبدیل شده که علاوه بر اقوام سنتی برگزارکننده، مردم روس و سایر اقوام نیز در آن شرکت می‌کنند.

همچنین، رسانه‌های روسیه در سال‌های اخیر به پوشش مراسم نوروزی پرداخته‌اند که این امر به افزایش آگاهی عمومی درباره این جشن کمک کرده است.

نوروز در روسیه نه تنها یک جشن سنتی برای اقوام خاص، بلکه به‌عنوان نمادی از همبستگی و دوستی بین فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف در حال رشد و گسترش است.